مقایسهٔ نقوش تزیینی در دوخت پرکار بلوچ‌های ایران و سوزن‌دوزی کاسوتی هندوستان

حبیبه براهویی[۱]، فاطمه میرزایی[۲]، آمنه مافی تبار[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲
Doi: 10.22034/rac.2024.715964

چکیده

سوزن‌دوزی یکی از شیوه‌های تزیینی پارچه است که درمیان مردمان تمام سرزمین‌ها ازجمله جوامع شرقی و سنتی به اشکال متنوعی به منصهٔ ظهور رسیده است. هدف این پژوهش، مقایسهٔ صوری و مضمونی برخی از نقوش دوخت پرکار ایرانی با سوزن‌دوزی کاسوتی هندی است. دوخت‌های پرکار، زیرمجموعهٔ سوزن‌دوزی بلوچ قرار می‌گیرد و سوزن‌دوزی کاسوتی با ایالت کارناتاکا در جنوب هندوستان ارتباط پیدا می‌کند. علت اقدام به این مقایسه آن است که به لحاظ بصری و تکنیکی ـ به‌ویژه در اجرای خطوط محیطی ـ شباهت فراوانی بین نقوش بلوچ‌دوزی و کاسوتی وجود دارد، به‌نحوی‌که در صورت ملاحظهٔ طرح خطی، تشخیص اصالت سوزن‌دوزی برای بیننده دشوار می‌نماید و ممکن است نقوش هندی را بلوچی قلمداد کند و بالعکس. در این میان، تفاوت‌های بارز رنگی و نوع به‌کارگیری فنون اجرایی در پر کردن زمینهٔ نقش است که در تشخیص صحیح مؤثر واقع می‌شود. با این نگاه، پرسش آن است: مقایسهٔ صوری و مفهومی نقوش کاربردی در دوخت پرکار بلوچ و سوزن‌دوزی کاسوتی، مبین چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در شیوهٔ اجرا و مضمون آنهاست؟ این مطالعهٔ توسعه‌ای با نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی‌شده، به شیوهٔ توصیفی – تحلیلی نشان داد: علی‌رغم تشابه در شیوهٔ دوخت، در مقابل دوخت‌های پرکار بلوچ‌ها، کاسوتی، یک سوزن‌دوزی میان‌کار است یعنی میزان پوشش سطح پارچه با نخ در دوخت پرکار، بیشتر از دوخت کاسوتی است اما به لحاظ صوری، نقوش در هر دو هنر، انتزاع‌یافته هستند و البته به‌صورت تقریبی بر مضامین مشابه دلالت می‌کنند که این امر بر قرابت فرهنگی مردمان این دو سرزمین صحه می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: سوزن‌دوزی بلوچ، سوزن‌دوزی هندی، دوخت پرکار، کاسوتی، نقش

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.
Email: hbarahooie7074@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.
Email: fmirzai1366@gmail.com

۳. استادیار گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: a.mafitabar@art.ac.ir

مقدمه

از دوران باستان تا به امروز یکی از شیوه‌های آراستن لباس، نقش‌اندازی به‌وسیلهٔ سوزن و نخ بوده است. تزیین لباس با سوزن‌دوزی نه‌تنها وجه زیبایی‌شناسانه دارد که موجب افزایش طول عمر لباس شده و عقاید، باورها و هویت فرد پوشنده را به رخ می‌کشد. پایگاه فرهنگی که هر نقش را در سوزن‌دوزی سنتی معنا می‌بخشد؛ زمینهٔ فکری هنرمند، آیین‌ها و باورهای مرتبط، طبیعت و جغرافیای منطقه، چگونگی ترکیب دوخت‌ها، جایگاه استفاده، شیوهٔ اجرا و میزان استفاده از طیف‌های مختلف رنگی است. چنانکه هرکدام از موارد مذکور به صورت جداگانه به‌عنوان شاخصهٔ سوزن‌دوزی‌های سنتی تعریف می‌شوند. در برخی نمونه‌ها، به علت فزونی نقاط اشتراک، تفاوت قائل شدن بین دو یا چند شیوهٔ دوخت دشوار به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی، یکی از بهترین راه‌حل‌ها، مطالعهٔ تطبیقی انواع سوزن‌دوزی است تا با تأکید بر وجوه اشتراک و افتراق هر آرایهٔ تزیینی، هویت مستقل آن نمایان شود. در این میان و در طول تاریخ، تجارت، مهاجرت و مرز مشترک؛ بستر مناسبی برای پیوند تمدن ایران و هندوستان بوده است. به همین سبب می‌توان شاخصه‌های فرهنگی و هنری اقوام بلوچ را به لحاظ همانندی با ویژگی اقوام ساکن در غرب یا جنوب هند به تطبیق گرفت. این پژوهش، دوخت پرکار از سیستان و بلوچستان و سوزن‌دوزی کاسوتی[1] از کارناتاکا[2] را به سبب شیوهٔ اجرا و نوع مضمون مطالعه می‌کند و در سطح نقوش تقریباً مشابه (به لحاظ صوری) نسبت به مقایسه اقدام می‌کند بنابراین مقالهٔ حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است: تطبیق صوری و مفهومی نقوش کاربردی در دوخت پرکار بلوچ و سوزن‌دوزی کاسوتی، مبین چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در شیوهٔ اجرا و مضمون آنها خواهد بود؟ در ضرورت انجام این مطالعه آنکه برخی از هنرمندان کم‌دانش و غیربومی امروزی به سبب تشابه خطوط محیطی در دوخت پرکار ایرانی و کاسوتی هندی، نقوش این دو سوزن‌دوزی را کاملاً همانند و بلکه یکسان در نظر می‌گیرند و با همین نگاه، کلیت نقش را از کاسوتی اقتباس نموده و متن آن را پُردوزی می‌کنند، یعنی نقش هندی را هویت ایرانی می‌دهند. از این مسیر، طرح‌های جدیدی خلق می‌شود که به‌غلط تحت عنوان بلوچ‌دوزی نام می‌گیرد. جهت ترمیم چنین ابهام و نقصانی که در گذر زمان ماهیت بلوچ‌دوزی را دگرگون خواهد ساخت و ماهیت نهادین آن را تحت‌الشعاع قرار داد، تطبیق دوخت پرکار بلوچی و سوزن‌دوزی کاسوتی چه از منظر صورت و معنی نقش‌مایه و چه از جهت شیوهٔ دوخت ضروری می‌نماید. با این مقدمه، آنچه به دنبال می‌آید ابتدا با معرفی استان بلوچستان و ایالت کارناتاکا، سوزن‌دوزی‌های هر منطقه را مورد اشاره قرار می‌دهد؛ آنگاه با تطبیق تعدادی از نقوش کاربردی در این دو سوزن‌دوزی، صورت ظاهری و مفهوم هر نقش را مورد تدقیق قرار می‌دهد و نتیجه در قالب جدول عرضه می‌شود.

پیشینه تحقیق

در مقایسهٔ رودوزی‌های هندی با نمونه‌های مشابه ایرانی، یکی از اصلی‌ترین منابع، مقالهٔ مریم فروغی‌نیا و مرتضی شهسوار با عنوان «هنر کوچ‌دوزی هند و رابطهٔ آن با رودوزی‌های ایرانی» است که در *مطالعات هنرهای تجسمی* به چاپ رسیده است (۱۴۰۲)، در مطالعهٔ مزبور، چندین شیوهٔ سوزن‌دوزی در اقوام کوچ، مشابه سوزن‌دوزی بلوچ شناسایی شده‌اند. مورد متناسب دیگر با موضوع این مقاله، «مطالعهٔ تطبیقی نقوش تزئینی مرکزگرا و شیوهٔ اجرای آن در هنر بلوچی‌دوزی ایران و پاکستان» به قلم فاطمه ساعدی و همکارانش در دوفصلنامه علمی *هنرهای صناعی ایران* است (۱۴۰۱). در تبیین این مقاله به‌عنوان پیشینه، لازم به تذکر است که کشور پاکستان و هندوستان تا قبل از ۱۹۴۷ م. سرزمین یکپارچه‌ای به نام بهارات[3] بوده‌اند بنابراین مطالعه دربارهٔ سوزن‌دوزی‌های پاکستانی نیز با محتوای این نوشتار هماهنگی دارد. پژوهشگران مقالهٔ فوق نشان داده‌اند که نقوش بلوچ‌دوزی ایرانی تارشمار است، درصورتی‌که اجرای نقوش در بلوچستان پاکستان الزاماً تارشمار نیستند و تنوع بیشتری دارند. در کتاب *دایرةالمعارف بلوچ‌دوزی و سایرملل* تألیف زهرا ریگی و کریم کاویانی‌پویا نیز انواع بلوچ‌دوزی با دیگر سوزن‌دوزی‌ها چه داخل مرزهای ایران و چه خارج از مرزها تطبیق داده شده است (۱۳۹۶). دربارهٔ مواردی که به‌صورت خاص به سوزن‌دوزی بلوچ پرداخته‌اند بایست به پژوهش مریم طاهرعزیزی و علیرضا شیخی با عنوان «گونه‌شناسی و تحلیل نقوش قوم بلوچ در بلوچی‌دوزی سرحد و مکران» در *رهپویه هنر* (۱۴۰۰) و «تحلیل و طبقه‌بندی موضوعی انواع نقش در سوزن‌دوزی بلوچ بر اساس اسلوب هنرهای سنتی» به قلم فاطمه میرزایی و آمنه مافی‌تبار در دو فصلنامه *دانش‌های بومی ایران* (۱۴۰۲) اشاره کرد که نسبت به مطالعهٔ موضوعی نقوش سوزندوزی بلوچ اقدام کرده‌اند و نمونهٔ دوم، انواع نقوش کاربردی در سوزندوزی بلوچ را به انسانی، جانوری و گیاهی تقسیم کرده است. مطابق با دستاورد چنین پژوهش‌هایی، نقوش بلوچ‌دوزی

DOI: 10.22034/rac.2024.715964

بر وجوه مختلف جنبه‌های زندگی مردمان بلوچ دلالت می‌کند و مبین اعتقادات و باورهای این قوم است. دربارهٔ سوزن‌دوزی هندی نیز در سال ۲۰۱۹ م. مقالهٔ «کاسوتی و سیاه‌دوزی: دو خواهر دوقلو یا فقط تکثیر[۴] » به کوشش تولیکا گوپتا[۵] اشتراکات کاسوتی و سیاه‌دوزی اسپانیا را مورد مطالعه قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که در دو هر دو نمونه، بسیاری از نقوش با الهام از معماری منطقه، طراحی و ساده‌سازی شده‌اند. به لحاظ شیوهٔ اجرا نیز اسلوب دوخت در کاسوتی و سیاه‌دوزی مشترک بوده و دوخت پلکانیِ خطوط محیطی هر نقش، اساس سوزن‌دوزی است که می‌تواند به شیوهٔ شماره‌دوزی، متن‌دوزی شود. اما در صورت مختص طرح و نقش سوزن‌دوزی کاسوتی، باید به کتاب *کاسوتی از کارناتاک*[۶] به قلم ایندیرا جوشی[۷] اشاره کرد (۱۹۶۳) که ابتدا به تعریف و تاریخچه کاسوتی می‌پردازد و پس از شرح تصویری شیوه‌های دوخت، نقوش رایج را به همراه نقشهٔ دوخت ارائه می‌دهد. کتاب *سوزن‌دوزی‌های سنتی هندوستان*[۸] نوشتهٔ شایلاجا دی. نایک[۹] نیز که در سال ۱۹۹۶ م. به چاپ رسید، به توصیف هنر کاسوتی و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه می‌پردازد و طرح خطی گزیده‌ای از نقش‌مایه‌های کاسوتی را به تصویر درمی‌آورد. نویسندهٔ این اثر به تأکید، اجرای رایانه‌ای نقوش را خطری برای میراث ایالت کارناتاکا قلمداد می‌کند. معمولاً در تطبیق رودوزی‌های ایران و هند، این مضمون به صورت کلان مورد مطالعه قرار می‌گیرد یعنی مجموعه‌ای از نقوش برآمده از گونه‌های متنوع سوزن‌دوزی‌های هندی با طرح و نقش مشابه آنها در ایران تطبیق داده می‌شوند. درحالیکه مقالهٔ حاضر فقط بر دوخت پرکار از مجموعه سوزن‌دوزی بلوچ و کاسوتی از جنوب هندوستان تمرکز کرده است تا با تحدید موضوع مورد مطالعه، صورت و مضمون نقش‌مایه‌ها و همچنین شیوهٔ اجرای آنها را مورد هم‌سنجی قرار دهد.

روش تحقیق

این پژوهش توسعه‌ای، به شیوهٔ توصیفی ـ تحلیلی به تطبیق دوخت پرکار و کاسوتی می‌پردازد و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام می‌شود. گردآوری نقوش در بخش سوزن‌دوزی ایرانی به صورت میدانی و در بخش سوزن‌دوزی هندی به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شده است. نمونه‌گیری به شیوهٔ احتمالی طبقه‌بندی شده است به‌این‌ترتیب که ۱۰ نقش از سوزن‌دوزی بلوچ (به صورت خاص دوخت پرکار) در قیاس با هفت نقش از سوزندوزی کاسوتی مقایسه شده و نتیجه عرضه می‌شود.

سیستان و بلوچستان؛ خاستگاه دوخت پُرکار

سیستان و بلوچستان، استان مرزی در جنوب شرق ایران به مرکزیت زاهدان است و به لحاظ جغرافیایی، بخش کوهستانی، بیابانی و جلگه‌ای دارد. این سرزمین بعد از استان کرمان، دومین استان پهناور کشور به شمار می‌آید که از دو ناحیهٔ شمالی و جنوبی تشکیل شده است. سیستان، ناحیه شمالی استان و بلوچستان، ناحیه جنوبی آن را در بر می‌گیرد که به جهت سکونت اقوام بلوچ آن را بلوچستان نامیده‌اند. «مورخان و سیاحان نام بلوچ را در دو وجه مشخص به کار می‌بردند؛ وجه نخست دربرگیرنده تمامی نژادهایی است که در حوزهٔ جغرافیایی بلوچستان ساکن بودند. وجه دوم نیز اشاره به نژاد خاصی با عنوان بلوچ دارد که عده‌ای در مورد خودشان به کار می‌برند و همسایگانشان نیز ایشان را با چنین اصطلاحی می‌شناسند» (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۴۴). در ذکر پیشینهٔ تاریخی این اقوام آنکه در کتیبه‌هایی که از عصر ساسانی بر جای مانده، بلوچستان با نام «مکوران، مُکران» خوانده شده است (اکبرزاده، ۱۳۸۲: ۴۲). این اسامی تا پیش از اسلام در بین مردم رواج داشتند و از میان آنها «مکران»، هنوز هم یک نام شناخته شده بین بلوچ‌ها به شمار می‌آید. مکران به‌عنوان یکی از نخستین نام‌های این سرزمین، از نظر ریشهٔ لغوی؛ هیچ‌گونه شباهتی با واژهٔ بلوچ ندارد؛ چراکه به اعتقاد بعضی از صاحب‌نظران، تاریخ پیدایش سرزمین بلوچستان با تاریخ قوم و نژاد بلوچ ارتباطی پیدا نمی‌کند و پیش از ساکن شدن بلوچ‌ها در این سرزمین و اطلاق نام بلوچستان بر آن، قبایل بومی دیگری در آن ساکن بوده‌اند. بنا بر شواهد موجود، ساکنین اولیهٔ این ناحیه، مردمانی بوده‌اند که با مهاجرت به هند، در آن سرزمین با عنوان دراویدیان[۱۰] شناخته می‌شوند (محمود زهی، ۱۳۹۱: ۳۳) و برخی دیگر، بلوچ‌هایی بودند که تبار آریایی داشته و به‌احتمال بسیار قوی، پیش از مهاجرت به این منطقه، ساکن شمال ایران، کوه‌های البرز و دریای خزر بوده‌اند. آنها سال‌ها در ارتش ایران باستان نقش داشتند و احتمالاً در زمان خسرو انوشیروان از شمال به کوه‌های کرمان کوچانده شدند (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۱۴)؛ سپس در دورهٔ سلجوقیان، ایشان از نواحی کرمان به سوی شرق و به داخل مکران و بلوچستان کنونی مهاجرت کردند. (بویل، ۱۳۷۹: ۶۴) بنا بر نظر برخی محققین، اصطلاح «بلوچستان» از زمان «نادرشاه افشار» در سدهٔ دوازدهم ق./ هجدهم م. رسمیت پیدا می‌کند و دلیل اصلی جانشینی اصطلاح بلوچستان برای این خطه، نفوذ قبایل بلوچ در منطقه و کمک‌های فراوانی بوده است

که سران این قبایل به نادرشاه می‌کرده‌اند. (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۹۱). بیشترین شهرت بلوچستان در زمینه هنرهای سنتی به سبب سبک منحصربه‌فرد سوزن‌دوزی این منطقه است که تقریباً در تمام شهرستان‌های آن رونق دارد. سوزن‌دوزی بلوچ یکی از زیباترین و اصیل‌ترین هنرهای سنتی کشور به شمار می‌آید که از شهرتی جهانی برخوردار است و بسیاری از مردم جهان، سیستان و بلوچستان را به پشتوانه آن می‌شناسند. این هنر حاصل ذوق و سلیقه زنان و دختران بلوچ، با تلفیقی از رنگ‌های طبیعی و نقش‌های متنوع است که ارتباط نزدیکی با طبیعت و محیط زندگی آنان دارد زیرا جهت در انتخاب رنگ معمولاً، رنگ‌های روشن و گرم مانند نارنجی و قرمز به عنوان رنگ‌های اصلی و رنگ‌های دیگری مثل سبز، سفید، سیاه و قهوه‌ای به عنوان رنگ‌های فرعی در طرح‌ها به کار برده می‌شود. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۶۰) سوزن‌دوزی در گذشته بیشتر برای تزیین لباس زنان و دختران به صورت قطعاتی برای پیش‌سینه، سرآستین‌ها و قطعه‌ای دیگر به‌عنوان جیب یا به‌اصطلاح محلی «کوپتان» کاربرد داشته است؛ اما امروزه افزون بر آن، سوزن‌دوزی به صورت محصولاتی همچون سجاده، کوسن و رومیزی نیز ارائه می‌شود. سوزن‌دوزی‌های این منطقه از نظر نوع و سطح کار در سه دستهٔ پرکار، میان‌کار و کم‌کار (مشهور به نیم‌زی) قابل شناسایی هستند. در دوخت پرکار، کل سطح پارچه به نحوی سوزن‌دوزی می‌شود که نمی‌توان هیچ قسمتی از پارچه را مشاهده کرد؛ یعنی سطح جدیدی با دوختن توسط دوزنده خلق می‌شود. دوخت پرکار یک روش از دوخت است که در مناطق ایرندگان و سراوان رایج است اما در سوزن‌دوزی میان‌کار، قسمت‌های کمی از پارچه زمینه دیده می‌شود و در شیوهٔ کم‌کار به نسبت میان‌کار، سوزن‌دوزی کمتر بوده و زمینهٔ پارچه بیشتر نمایان است. ازجمله سوزن‌دوزی‌های رایج در استان سیستان و بلوچستان می‌توان به دوخت پرکار، پلیواردوزی[11]، خُمَک یا خامک‌دوزی[12] اشاره کرد که در این میان، دوخت پرکار مورد مطالعاتی این پژوهش قرار گرفته است. مراحل اجرای دوخت پرکار به‌این‌ترتیب است: الف: سیاه‌دوزی یا راه‌دوزی (نقش‌اندازی ذهنی به شیوهٔ دوخت پلکانی). ب: چپی‌دوچ (نوعی پردوزی که در اصطلاح عام، به‌عنوان ساتن‌دوزی شناخته می‌شود). ج: سیا اسپید (دوخت‌های سیاه و سفید که در حد فاصل نقش‌ها یا حاشیه‌ها دوخته می‌شود). به‌این‌ترتیب، در دوخت پرکار، خطوط محیطی هر طرح، فقط به‌وسیله نخ و سوزن و با دوخت پلکانی نقش‌اندازی می‌شود که همان سیاه‌دوزی یا راه‌دوزی است؛ جهت متن‌دوزی نیز از پُردوزی (معادل ساتن‌دوزی) استفاده می‌شود. درواقع «چپی‌دوچ» به دوخت‌های پرکاری اطلاق می‌شود که در

جدول ۱: دوخت پرکار (نگارندگان)

شیوهٔ دوخت	شیوهٔ اجرا
سیاه‌دوزی (راه‌دوزی): دوخت پلکانی. خطوطی محیطی نقوش که در دو مرحله اجرا می‌شود؛ اول خطوط عمودی و سپس خطوط افقی دوخته می‌شوند.	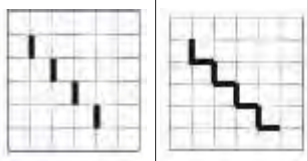
پُردوزی: ساتن دوزی. برای دوخت متن (زمینه) نقوش از آن استفاده می‌شود.	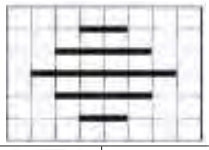
دوخت آسان تانکه: شماره دوزی. در دو مرحله اجرا می‌شود.	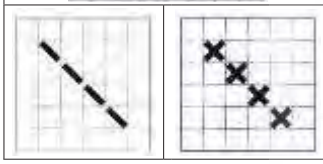

ایرندگان کاربرد دارد. به‌این‌ترتیب که وقتی سیاه‌دوزی (نقش‌دوزی) انجام می‌شود، هنرمند از پشت کار شروع به پردوزی داخل نقش‌ها می‌کند که به همین دلیل در اصطلاح محلی به «چپی‌دوچ» می‌گویند. در حالت اصیل دوخت این خطوط از پشت پارچه به نحوی انجام می‌شود که طرح در روی پارچه به صورت پلکانی و در پشت پارچه به صورت نقطه‌نقطه است؛ هنرمندان بلوچ، خاستگاه اصلی این هنر را به‌طورخاص، منطقه ایرندگان از توابع شهرستان خاش و پس‌ازآن، بمپور می‌دانند. اما در بمپور، طرح در پشت و روی پارچه دقیقاً به یک شکل و به صورت پلکانی دوخته می‌شود. درنهایت فضاهای خالی، به شیوهٔ آسان تانکه که همان شماره‌دوزی است، پر می‌کنند. برای تکمیل قطعات سوزن‌دوزی در گذشته تنها از جالر[13]، روبر[14] و کش به‌عنوان حاشیه استفاده می‌کردند ولی امروزه دوخت‌هایی نظیر پرایز[15] نیز برای دوخت حاشیه مورد استفاده قرار می‌گیرند (مصاحبه با زهرا ریگی، ۱۴۰۲).

کارناتاکا؛ خاستگاه کاسوتی

با توجه به وسعت کشور هند، انواع سوزن‌دوزی را می‌توان بر مبنای جغرافیایی که در آن دوخت‌ها رایج هستند به پنج بخش تقسیم کرد که عبارت‌اند از سوزن‌دوزی‌های شمال، غرب، مرکز، شرق و جنوب هند. در هر بخش، قومیتی خاص با آداب و سنن

DOI: 10.22034/rac.2024.715964

منحصربه‌فرد خود در اکثریت قرار دارند و بر فرهنگ منطقه تأثیر می‌گذارند. فلات دکَن[۱۶] در جنوب هند قرار دارد که «در کرانهٔ شمالی به رودخانهٔ نارمادا[۱۷] ، در غرب به دریای عمان، در شرق به خلیج بنگال و در جنوب به رودخانهٔ تونگابهادرا[۱۸] می‌رسد. این فلات به سه بخش: ماهاراشترا[۱۹] ، کارناتاکا و تلنگ–آندرا[۲۰] تقسیم می‌شود» (URL 1). عموم شیوه‌های آراستن البسه در جنوب هندوستان برگرفته از میراث تمدن‌هایی است که در فلات دکن ساکن بوده‌اند، مانند پیپْلی[۲۱] از ایالت اُریسا، ماگام[۲۲] و تودادوزی یا پوکور[۲۳] از ایالت تامیل نادو و کائودی[۲۴] ، لامبادی[۲۵] و کاسوتی از ایالت کارناتاکا. در کتاب مهابهاراتها[۲۶] که متضمن اشعار حماسی است و به‌نوعی *شاهنامه* هندیان محسوب می‌شود، نام کارناتاکا آمده است. این ایالت در جنوب غربی هند قرار دارد و از نظر وسعت، ششمین ایالت هندوستان است. «کارناتاکا از نظر جغرافیایی به دو بخش مالناد[۲۷] و مایدان[۲۸] تقسیم می‌شود. مالناد فلاتی با جنگل‌های انبوه، رودخانه، مزرعه‌های چای و قهوه و جنگل‌های بامبو است. این منطقه زیستگاه ببر، فیل، گاومیش و آهوی شاخ‌دار است. در مقابل مایدان، جلگه‌ای پوشیده از درختان کوتاه و بوته‌های کوچک است» (Georgina, 1957: 5). زبان رسمی این ایالت، کانّادا[۲۹] یی، دومین زبان کهن دراویدی در هند است (Stott, 2012: 108). نام قدیمی این ایالت، میسور است. در گذر تاریخ، فرمانروایان هندو و مسلمان متعددی بر این سرزمین حکومت کرده‌اند که با توجه به موضوع پژوهش، دورهٔ امپراطوری چالوکیا[۳۰] که دراویدی بودند حائز اهمیت بیشتری است چراکه سوزن‌دوزی کاسوتی در این دوره متولد شد و بعدها به‌عنوان میراث فرهنگی کارناتاکا مورد توجه قرار گرفت (Joshi, 1963: 1). حکمرانان چالوکیایی شروع به احیای آداب و سنن دین هندو کرده و در همین راستا معابد باشکوهی در هند بنا کردند. درمجموع، معماری معابد، آیین عبادی هندویی و جغرافیای کارناتاکا، الهام‌بخش بانوان این منطقه برای تزیین ساری[۳۱] و دیگر البسه بود و بدین‌سان سوزن‌دوزی کاسوتی در مرور ایام شکل گرفت. در ادامه، این هنر، تحت‌تأثیر «لینگایات»[۳۲] ها واقع شد، به‌نحوی‌که انتظار می‌رفت هر نوعروس یک ساری ابریشمی مشکی دستبافت از جنس پنبه با حاشیهٔ سرخ به نام «ایرْکال» داشته باشد. در قسمت عرضی جلو و پشت ساری، نقوشی مانند گل نیلوفر، گل ریحان مقدس، پرنده و حیوانات به شیوهٔ کاسوتی دوخته می‌شد. ساری ایرکال حدود شصت الی هفتاد نقش‌مایه در رنگ‌های متنوع داشت و بانوان در عروسی و مراسم مذهبی آن را بر تن می‌کردند. گاهی بلوز ساری که به آن «کان» می‌گفتند نیز با تزیین کاسوتی به‌عنوان یک هدیهٔ فرخنده توسط مادرشوهر و مادر عروس به وی پیشکش می‌شد (Joshi, 1963: 2). جایگاه ویژهٔ کاسوتی در فرهنگ پوششی به‌عنوان یک هویت قومی چنان قابل توجه بود که «در دوران پادشاهی میسور در قرن هفدهم میلادی انتظار می‌رفت که زنان دربار در ۶۴ هنر مهارت داشته باشند و یکی از آن هنرها کاسوتی بود» (URL2). به لحاظ لغوی دربارهٔ معنای کاسوتی، اختلاف است. مطابق نظر بعضی، در زبان کانّادایی «کای» به معنای «دست» و «سوتی» به معنای «نخ پنبه» است (طالب‌پور، ۱۳۹۷: ۱۹۴). با توجه به این معنا انتظار می‌رود که این سوزن‌دوزی با نخ پنبه اجرا شود اما معمولاً در کاسوتی، نخ از ابریشم و ساری پنبه‌ای یا ابریشمی است. در مقابل، بعضی دیگر نیز باور دارند که کاسوتی به معنای سوزن‌دوزی است و هم‌طراز واژهٔ کُشیدا[۳۳] در زبان هندی به شمار می‌آید. فرضیهٔ متأخر، باوری است که نگارندگان این مقاله با آن هم‌سویی بیشتری دارند. به لحاظ شیوهٔ اجرا نیز کاسوتی، نوعی سوزن‌دوزی میان‌کار است. «نوعی دوخت که بدون گره اجرا می‌شود تا پشت و روی کار جلوهٔ یکسان داشته باشد. فقط در مورد شماره‌دوزی پشت کار خط افقی و عمودی دارد. شیوه‌های دوخت در کاسوتی عبارت‌اند از گاوانْتی، موزْگی، نِگی و مِنْتی» (URL2) که به ترتیب در «جدول ۲» شرح داده شده‌اند.

جدول ۲: دوخت کاسوتی (نگارندگان)

شیوهٔ دوخت	شیوهٔ اجرا
مورگی: دوخت زیکزاکی است که ابتدا خطوط افقی و سپس خطوط عمودی دوخته می‌شود. (مشابه سیاه‌دوزی یا راه‌دوزی بلوچی)	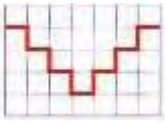
نِگی: ساتن‌دوزی (مشابه پردوزی بلوچی). دوخت شلال‌هایی به موازات پود پارچه است و در اصطلاح به آن «لابه‌لادوزی» گفته می‌شود یعنی نخ با نظم خاصی از لابلای تار و پود پارچه عبور کرده و اشکال هندسی زیبایی را ایجاد می‌کند.	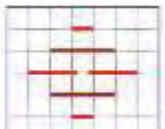
مِنْتی: شماره‌دوزی (مشابه آسان تانکه بلوچی)	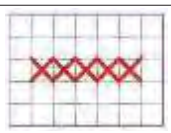
گاوانتی: نوعی بخیه‌دوزی (شلال رفت و برگشتی است تا یک خط حاصل شود.)	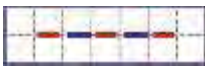

مقایسهٔ نقوش دوخت‌های پرکار و کاسوتی

دوخت پرکار، هنر ظریف و پرسابقهٔ زنان و دختران بلوچ است که این هنر را از سنین خردسالی از مادران و اطرافیان خود می‌آموزند. معمولاً نقش‌مایه‌ها در این هنر، انعکاسی از نحوه زندگی، باورها و اعتقادات، آداب‌ورسوم قوم بلوچ هستند. درواقع بانوی سوزن‌دوز، تفکرات ذهنی خویش را با نمایش نقش‌ها، در قالب نقوش هندسی مربع، لوزی، مثلث، مستطیل و کمتر دایره به تصویر می‌کشد و آن‌ها را با بهره‌گیری از عناصری همچون ریتم، حرکت، تکرار و تعادل در طرح‌های بسیار متنوع می‌آراید؛ از سوی دیگر، اهالی سیستان و بلوچستان ایران به لحاظ قومی، نژاد، فرهنگ و زبان اشتراکات فراوانی با اقوام ساکن در کشورهای مجاور دارند که همین امر سبب بروز مشابهت‌هایی بین هنرهای سنتی بلوچ با هنرهای سنتی ساکنین این مناطق شده است؛ به‌عنوان نمونه «نقش «بکالوک» که یکی از نقوش قدیمی به حساب می‌آید، یک واژه هندی است» (محمد زهی، ۱۳۹۲: ۵۵) یا نقش «چندن‌هار» که نام آن از درختی در هند گرفته شده و «چندن» خوانده می‌شود (افروغ، ۱۳۸۸: ۸۶)؛ همچنین دوخت «آسان تانکه» که به «جَوَک پاکستانی» نیز مشهور است (ریگی و کاویانی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۷۱). با نگاهی به عناوین این نقوش؛ این نتیجه حاصل می‌شود که در شکل دقیق‌تر سوزن‌دوزی‌های بلوچ، نزدیکی‌هایی با سوزن‌دوزی‌های کشورهای همسایه دارند که ازجملهٔ آنها هندوستان و دوخت میان‌کار کاسوتی است که در ادامه در قیاس با سوزندوزی بلوچ مطالعه می‌شود:

مقایسه شیوهٔ اجرا: با تطبیق جدول‌های ۱ و ۲ مشخص می‌شود نقوش کاربردی در هر دو نوع سوزن‌دوزی، هندسی بوده و خطوط محیطی به صورت پلکانی دوخته می‌شود. فرم چهارگوش، یک فرم پایدار در دوخت پرکار است و کمتر به شمایل دیگری تبدیل می‌شود. این در حالی است که در کاسوتی یک شیوهٔ دوخت، بیشتر تعریف شده است (گاوانتی) که معادل آن در دوخت‌های پرکار وجود ندارد. به‌واقع در دوخت کاسوتی، «گاوانتی» به سوزن‌دوز اجازه می‌دهد تا متناسب با نقش، از زاویهٔ قائم ایجاد شده در خطوط محیطی- یعنی دوخت مورگی- به‌صورت مورب خارج شود بنابراین یک کوک ۴۵ درجه روی پارچه شکل می‌گیرد و به‌این‌ترتیب، در برخی از نقوش در کاسوتی فرم چهارگوش نقض می‌شود (ر.ک. تصویر ۵: نقش پنجه ببر). نکتهٔ دیگر آنکه پُردوزی در دوخت پرکار جهت متن‌دوزی نقوش استفاده می‌شود و در حواشی، دیگر دوخت‌ها مانند جالر، روبر و کش کاربرد دارد. درمقابل، در کاسوتی برای ایجاد جلوهٔ پارچهٔ دستباف در حواشی پارچه استفاده از پُردوزی استفاده می‌گردد. در بلوچ‌دوزی، «آسان تانکه» و در کاسوتی، «مِنتی» همان هنر شماره‌دوزی هستند که برای نقش‌اندازی استفاده می‌شوند با این تفاوت که در بلوچ‌دوزی، آسان تانکه برای پر کردن فضای منفی در متن نقوش کاربرد دارد اما کارکرد منتی در کاسوتی، متن‌دوزی نقوش است که در این حالت از دوخت پلکانی (مورگی) برای تکمیل حاشیه استفاده نمی‌شود.

مقایسهٔ نقوش: تصویر ۱، مبین نقش گل هشت برگی، متشکل از یک گل با گلبرگ‌هایی به شکل لوزی‌های کشیده است. درواقع هدف هنرمند بلوچ از سوزن‌دوزی این نقش وارد کردن گل‌های رنگی به طبیعت خشک و بیابانی محیط زندگی خویش است. در مقابل این نقش، به‌عنوان یک آرایهٔ شبیه، نقش گل نیلوفر آبی از دوخت کاسوتی قرار می‌گیرد که در تصویر ۲ قابل ملاحظه است؛ «در اندیشهٔ هندوان این گل، نماد ظهور، تجلی، نظم و زیبایی است؛ سربرآوردن نیلوفر از میان آب که نماد نور، حیات و روشنایی است، و گشوده شدنش به هنگام طلوع خورشید و بسته شدنش به هنگام غروب آن و ظهور ماه، بنیادی‌ترین اجزاء مفهومی آفرینش در ادیان شرقی یعنی نور، آب و ظهور را به تجلی می‌گذارد. همچنین گل نیلوفر به دلیل ماهیت قدسی و الوهی در مورد هر الهه‌ای به کار می‌رود تا به منشأ و مبدأ ازلی آن اشاره کند» (بلخاری قهی، ۱۳۹۸: ۲۴ و ۲۰). هر دو نقش هم از نظر طرح خطی و هم از نظر معنایی به جهت ارتباط با طبیعت گیاهی، قرابت بسیاری با یکدیگر دارند.

تصویر ۳ نقش پاد گوربَک را نشان می‌دهد که شبیه به یک لوزی است که اضلاع آن از هر چهار طرف بیرون زده باشد. این نقش ملهم از ردپای گربه‌های کوچک است که به لحاظ شباهت صوری در مقابل نقش پنجه ببر در دوخت کاسوتی قرار می‌گیرد (تصویر ۵). لازم به یادآوری است که نقشی با نام پنجه پلنگ نیز در دوخت پرکار وجود دارد (تصویر ۴)؛ این نقش شبیه به یک لوزی است که روی هر یک از اضلاع آن زائده‌هایی به شکل «L» به دنبال یکدیگر تکرار می‌شوند این زائده‌ها درواقع از فرم پنجه‌های پلنگ الهام گرفته شده‌اند. درون لوزی نیز معمولاً با نقش‌های متفاوتی سوزن‌دوزی می‌شود. به لحاظ معنایی این نقش به نمونهٔ هندی نزدیک‌تر است. خاصه آنکه مطابق آنچه در فرهنگ شفاهی بلوچ نقل شده: «در قدیم‌الایام شیرمردان بلوچ برای نشان دادن شجاعت و دلیری خود، تن‌به‌تن با پلنگ می‌جنگیدند و بعد از شکست دادن حیوان، پوستش را به‌عنوان

DOI: 10.22034/rac.2024.715964

غنیمت به خانه می‌بردند (همچون پلنگینه رستم). در مقابل، مردان هندو برای اثبات شایستگی و پهلوانی خود با ببر درگیر می‌شدند و پس از غلبه بر آن، پوستش را به‌عنوان مدرکی دال بر رشادت‌های خود میان مردم می‌آوردند» (مصاحبه با هاجر براهویی، ۱۴۰۲). اینگونه نبردها به آن معنا بودند که حتی حیوانات درنده هم نمی‌توانند امنیت زنان، کودکان و دیگر اهالی روستا را به خطر بیندازند. شاید به همین سبب بود که نقوش انتزاعی یادآور پنجهٔ پلنگ و ببر به سوزن‌دوزی‌های پرکار و کاسوتی وارد شد.

از دوخت پرکار بلوچ، نقش زومک در تصویر ۶ در مقابل نقش دانهٔ نیلوفر در دوخت کاسوتی قرار می‌گیرد که در تصویر ۷ به نمایش درآمده است. زومک در زبان بلوچی به معنای عقرب است (آذرلی، ۱۳۹۴: ۱۳۰) که به لحاظ معنایی با نقش دانهٔ گل نیلوفر آبی قرابتی ندارد. استفاده از دانهٔ نیلوفر به جایگاه ویژهٔ این گل در هندوئیسم برمی‌گردد که پیش‌تر به آن اشاره شد. «این دانه که در زبان هندی به آن ماکانا[۳۴] گفته می‌شود، در آیین عبادت و ازدواج مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین به‌عنوان خوراکی در «ناوراتی[۳۵]» عرضه می‌شود» (URL 3). به لحاظ ظاهری، این نقش تداعی دانه‌ها در پوسته است که همان میوهٔ نیلوفر بوده و با نام پستهٔ دریایی نیز شناخته می‌شود. چینش دانه‌ها در میوه منظم و چندضلعی است که به جهت ظاهری با فرم خمیده و تیز دم عقرب متشابه نشان می‌دهند.

در «تصاویر ۸ و ۹»، نقش‌های گوش گربه و کل سیه مار در دوخت پرکار نشان داده شده‌اند که به لحاظ بصری به ترتیب با نقش مرکزی و حاشیه نقش بوتی در «تصویر ۱۰» مطابقت دارند. نقش گوش گربه از یک لوزی مرکزی و محاط شده در یک لوزی بزرگ‌تر تشکیل می‌شود که روی هر یک از اضلاع آن چهار مثلث، ملهم از گوش گربه طراحی شده است. نقش کل سیه مار نیز به معنای لانه مار بزرگ نیز فرمی از حرکت بدن مار روی ماسه‌های بیابان تداعی می‌کند. بوتی در سوزن‌دوزی هندی همان مفهوم گل‌وبته در سوزن‌دوزی ایرانی را دارد. در این نقش، گل‌ها به‌صورت مرکزگرا در کنار یکدیگر قرار گرفته و جهت توسعهٔ نقش از حواشی متعدد برای تزیین آن استفاده شده است. از سوی دیگر قسمت زردرنگ مرکزی، تداعی چهار گلدان در کنار هم نیز هست که فرم لوزی ایجاد کرده‌اند. این نقوش نیز بیشتر از مشابهت ظاهری پیروی کرده و به جهت مفهومی متفاوت نشان می‌دهند.

تصویر ۱۱، نقش بته را نشان می‌دهد که در مقابل نقش درخت زندگی هندی در تصویر ۱۲ قرار می‌گیرد. برخی هنرمندان بلوچ، نقش بته را همان نقش «دُوحتُوک دَست بَ سَر» می‌دانند که با گذشت زمان دندانه‌های بیشتری به آن اضافه شده است. با این حساب، هرچند نقش درخت زندگی هندی به نقوش «دحوتک دست‌به‌سر» یا حتی «بال مرگ» دوخت پرکار نیز شبیه است اما نزدیک‌ترین فرم به آن که دارای استعارهٔ معنایی نیز هست، نقش بته است که آن را با نام «دِلکَش دَس مَرَس» و «طاووس» نیز می‌شناسند؛ البته دلیل این نام‌گذاری تنها از باب شنیده‌هایی بوده است که بین مردم بلوچ، در وصف زیبایی این پرنده رواج داشته وگرنه هیچ‌گاه پرنده‌ای به نام طاووس در سرزمین بلوچستان نبوده است.

تصویر ۱۳، نقوش مِقراضُوک و چارگُلوک را نشان می‌دهد. مِقراضُوک (مِگراضک) در زبان بلوچی، قیچی معنا می‌دهد که با شکل ظاهری نقش کاملاً در ارتباط است؛ چراکه نقش مقراضک یک قیچی با دهانه باز را تداعی می‌کند. نمای کلی نقش چارگُلوک متشکل از یک لوزی است که به وسط هر یک از اضلاع آن خط کوچکی عمود شده است. این نقش با نام بُن‌تاس[۳۶] نیز در بین هنرمندان بلوچ شناخته می‌شود. از تکرار پی‌درپی نقوش مِقراضُک و چارگُلوک در کنار یکدیگر معمولاً در حاشیه‌دوزی استفاده می‌کنند. ترکیب این دو نقش در مقابل «تصویر ۱۴» برای دوخت حاشیهٔ دوخت کاسوتی است. بنا به مصاحبه‌های انجام‌شده در منطقه، این حاشیه نام خاصی ندارد و صرفاً به جهت تکمیل تزیینات تن‌پوش ساری دوخته می‌شود. در برخی از محصولات مانند کوسن، کاسوتی در کنار تودادوزی قرار می‌گیرد. در تودادوزی که به لحاظ بصری، مشابه نگی در کاسوتی است، به نقوش ضربدرمانند، پروانه و به مجموعه لوزی‌های کنار هم، چشم طاووس و گل می‌گویند بنابراین احتمال آن می‌رود که حاشیهٔ مذکور به معنای پروانه و گل باشد.

نقش ماهی کندوکاو (تصویر ۱۵) به معنی یک شیئی بسیار بزرگ و سنگین است. در جنوب استان، به دلیل شباهت این نقش با لنگر کشتی، آن را با نام «لَنِدِروک» می‌شناسند؛ در مقابل «تصویر ۱۶» است که برای تزیین حاشیه استفاده می‌شود. معمولاً نقش حاشیه در کاسوتی تداعی‌گر گل‌هایی است که در کنار یکدیگر روی یک خط قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. مطالعه تطبیقی نقوش دوخت پرکار با سوزن‌دوزی کاسوتی (نگارندگان).

نوع دوخت	دوخت پرکار	نوع دوخت	سوزن‌دوزی کاسوتی	شباهت صوری	شباهت مفهومی
سیاه‌دوزی، پردوزی، آسان تانکه	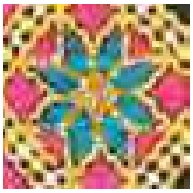 (نگارندگان) 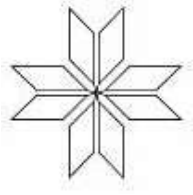 تصویر ۱. نقش گل هشت برگ و طرح خطی آن	مورگی و گاوانتی	(URL 5) 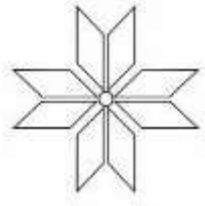 تصویر ۲. نقش نیلوفر آبی و طرح خطی آن	✓	✓
پردوزی؛ خطوط محیطی با تکنیک پرایز دوخته شده‌اند.	(ریگی و گاویانی، ۱۳۹۶: ۱۳۸) 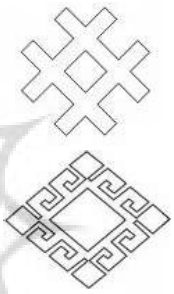 تصاویر ۳ و ۴. نقوش پادگوربک و پنجه پلنگ و طرح خطی آن	مورگی و گاوانتی	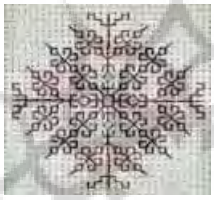 (نگارندگان) 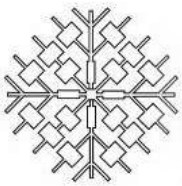 تصویر ۵. نقش پنجه ببر و طرح خطی آن	✓ ---	--- ✓
سیاه‌دوزی، پردوزی، آسان تانکه	(نگارندگان) 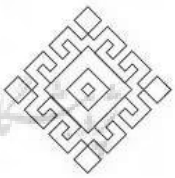 تصویر ۶. نقش زومک و طرح خطی آن	مورگی و گاوانتی	(URL6) 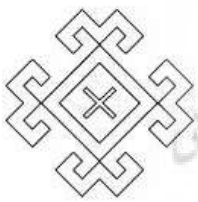 تصویر ۷. نقش دانهٔ نیلوفر آبی و طرح خطی آن	✓	---
سیاه‌دوزی، پردوزی، آسان تانکه	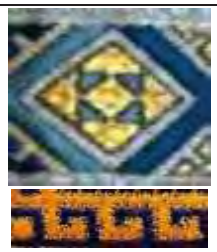 (نگارندگان) 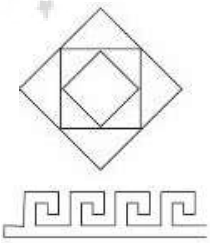 تصاویر ۸ و ۹. نقوش گوش گربه و کل سیه مار و طرح خطی آن	مورگی	(URL7) تصویر ۱۰. نقش بوتی و طرح خطی آن	✓	---

DOI: 10.22034/rac.2024.715964

جدول ۳. مطالعه تطبیقی نقوش دوخت پرکار با سوزن‌دوزی کاسوتی (نگارندگان).

سیاه‌دوزی، و پردوزی	(نگارندگان)	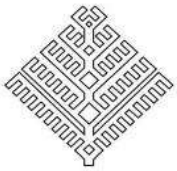	مورگی و گاوانتی	(URL 8)	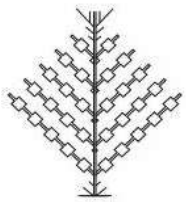	✓	✓
	تصویر ۱۱. نقش بته/ طاووس و طرح خطی آن			تصویر ۱۲. نقش درخت و طرح خطی آن			
پردوزی و دوخت حاشیه بلوچ‌دوزی (کش فنوجی در لهجهٔ سرحدی یا کش پرکار در مکران)	(نگارندگان)	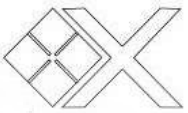	نگی	(نگارندگان)	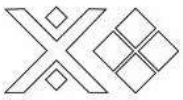	✓	---
	تصویر ۱۳. نقوش مقراضوک و چهار گلوک و طرح خطی آن‌ها			تصویر ۱۴. نقش حواشی و طرح خطی آن			
پردوزی، کش پرکار و خطوط محیطی به شیوه‌ای مشابه پرایز دوخته شده‌اند.	(نگارندگان)	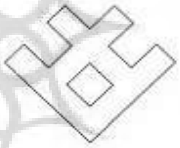	مورگی	(نگارندگان)	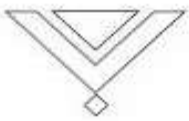	✓	---
	تصویر ۱۵. نقش ماهی و طرح خطی آن			تصویر ۱۶. نقش حواشی و طرح خطی آن			

نتیجه‌گیری

سوزن‌دوزی، بخشی از هویت قومی مردمان بلوچ است. برخی از مؤلفه‌ها همچون موقعیت جغرافیایی، فرهنگ و باورهای قومی بر طرح‌ها و نقوش کاربردی در این هنر تأثیر مستقیم دارند علاوه‌بر آن، مواد اولیهٔ در دسترس و شیوه‌های اجرا، جلوهٔ بصری این هنر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. به سبب نقاط اشتراک قابل‌توجه در دوخت پرکار ایرانی و سوزن‌دوزی کاسوتی، مطالعهٔ تطبیقی در برخی نقوش کاربردی و شیوه‌های دوخت هر دو سوزن‌دوزی قابل توجه می‌نمود که به شکل‌گیری پژوهش حاضر منتج شد. حال‌آنکه یکی از اساس، دوخت‌های پرکار است (ایرانی) و دیگری دوخت میان‌کار به شمار می‌آید (هندی). نتیجهٔ مشخص این پژوهش نشان می‌دهد: آرایه‌بندی تزیینی و نقوش متضمن آن، در هر دو سوزن‌دوزی، انتزاع یافته و برگرفته از عقاید مردمان منطقه است. به لحاظ شیوهٔ اجرا در کاسوتی، بخیه‌دوزی موسوم به گاوانتی، منجر به تنوع بیشتر نقوش نسبت به دوخت‌های پرکار شده است. از سوی دیگر هرچند مورگی، منتی و نگی به ترتیب تقریباً معادل دوخت پلکانی یا همان سیاه‌دوزی، آسان‌تانکه (شبیه به شماره‌دوزی) و پردوزی (شبیه به ساتن‌دوزی) در دوخت پرکار هستند اما آسان تانکه در دوخت پرکار برای پر کردن فضای خالی کاربرد دارد درحالی‌که با شیوهٔ منتی در کاسوتی تمامی نقش، شماره‌دوزی می‌شود و همین امر، تنوع بیش‌ازپیش نقش‌پردازی در دوخت کاسوتی را تضمین می‌کند. در تطبیق مضمونی نیز در هشت فرایند قیاسی که بین ده نقش از دوخت پرکار بلوچ و هفت نقش از سوزن‌دوزی کاسوتی صورت پذیرفت، تشابه صوری در هفت مورد ملاحظه شد و سه مورد داعیه‌دار تناسبات معنایی بود. امری که بر قرابت فرهنگی این دو سرزمین صحه می‌گذارد. در تشریح جزییات بیشتر آنکه نقوش گل هشت پر، پنجه پلنگ و بته از سوزن‌دوزی پرکار ایرانی به ترتیب با نقوش نیلوفر آبی، پنجه

ببر و درخت از کاسوتی هندی صاحب تناسب معنایی هستند و تقریباً در تمامی آنها شباهت صوری، زمینهٔ قیاس را فراهم آورده است به‌غیراز نقش پنجه پلنگ ایرانی و پنجه ببر هندی که صرفاً به جهت قرابت معنایی محل مقایسه قرار گرفته‌اند. به رغم آنکه هر دو سوزن‌دوزی تقریباً از آبشخورهای فرهنگی سیراب می‌شوند که برآمده از باورها؛ اعتقادات و نحوهٔ زیستهٔ ایشان است اما در کاسوتی بنا به برخی دلایل اجرایی همچون استفاده از بخیه‌دوزی یا پر کردن زمینهٔ نقش با شماره‌دوزی، امکان آزادی عمل بیشتر برای هنرمند سوزن‌دوز فراهم است هرچند که درنهایت نقوش کاربردی در هر دو سوزن‌دوزی پرکار ایرانی و میان‌کار هندی در طیف انواع انتزاع یافته و تجریدی قرار می‌گیرد. در آخر تأکید می‌شود در این پژوهش تعداد محدودی از نقوش دوخت پرکار ایرانی با کاسوتی هندی به مقایسه درآمدند بنابراین ظرفیت پژوهش‌های بیشتر برای تحلیل و طبقه‌بندی نقش‌مایه‌ها برای دیگر پژوهشگران برقرار است که قطع‌به‌یقین دستاوردهای آن چراغ راه هنرمندان این عرصه خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نام این سوزن‌دوزی به زبان هندی कसूती است که به صورت کَسوتی تلفظ می‌شود اما در منابع انگلیسی صورت kasuti به کار رفته است.

۲. نام این ایالت به زبان هندی कर्नाटक است که به صورت کَرناتَک تلفظ می‌شود اما در منابع انگلیسی صورت karnataka به کار رفته است.

۳. نام این واژه به زبان هندی भारत است که بهتر است به صورت بهارت نوشته شود اما به‌جهت رواج بیشتر از واژهٔ «بهارات» استفاده شده است. بهارات، نام قدیم سرزمین هندوستان است.

4. ‘Kasuti and Blackwork’: Twin sisters or just duplicates?
5. Toolika Gupta
6. Kasuti from Kanathak
7. Indira Joshi

۸. Traditional Embroideries of India: مطالب کتاب سوزن‌دوزی‌های سنتی هند در رابطه با کاسوتی، در کتاب *پارچه و پارچه‌بافی در تمدن اسلامی* تألیف فریده طالب‌پور (۱۳۹۷) در صفحات ۱۹۴-۱۹۳ منعکس شده‌اند.

9. Shailaja D.naik

۱۰. به مردمان جنوب غربی شبه‌قاره هند، دراویدی گفته می‌شود. دراویدی‌ها از نوادگان شهرسوخته و جیرفت هستند که ابتدا در کنار رود سند در پاکستان ساکن شدند و تمدن سند را ساختند سپس به تدریج وارد شبه قاره هند شدند. دراویدیان حدود شش هزار سال پیش از سوی شمال به شبه‌قاره هند وارد شده بودند. پیش از حرکت به سوی جنوب، یک شاخه از آنها به سوی غرب کوچیدند. البته این موضوع که آیا براهویی‌ها بلوچ هستند یا خیر همواره محل اختلاف پژوهشگران بوده است چراکه اقوام براهویی- خانات کلات که دوره‌ای در بلوچستان به قدرت رسیدند- رویدادها و وقایع را به‌طور مکتوب ثبت نمی‌کردند.

۱۱. پریوار (پلیوار): این نوع تزیین پیچیده و ظریف به صورت مستقیم روی لباس و در قسمت پیش‌سینه، دمپای شلوار و دور آستین دوخته می‌شود. همچنین در برخی مناطق، این نقش را با استفاده از نخ ابریشم روی کلاه، عرق‌چین، سرمه‌دان، بازوبند و جلد دعا گلدوزی می‌کنند.

۱۲. یکی از صنایع دستی سیستان و بلوچستان به خامک‌دوزی یا خمک‌دوزی مشهور است. می‌توان ادعا کرد، خامه‌دوزی واژه دگرگون شده این دو اسم است. دلیل خواندن خامه‌دوزی به این نام استفاده از خامه (ابریشم نتابیده)، بدون پرداخت و رنگرزی یا پخت است.

۱۳. خطوط عمودی فشرده با یک گره در وسط که به صورت محصور، در بین دوخط افقی دوخته می‌شوند.

۱۴. روبر (روچ‌بر/ گورکش): خطوطی متقاطع به صورت هفت و هشت که بین دو خط موازی محصور شده و برای کادربندی نقش اصلی استفاده می‌شوند.

۱۵. این دوخت به صورت کوک بوده و در تار و پود پارچه پشت سر هم تکرار می‌شود.

16. Deccan
17. Narbada
18. Tungabhadra
19. Maharashtra
20. Telang-andhra

۲۱. پیپْلی در ایالت اُدیسا یا اُدیشا رواج دارد که نوعی تکه‌دوزی است. پارچه به شکل پرنده، ماهی، طاووس فیل و ... برش خورده و بر یک پارچهٔ چهارخانه متصل می‌شود. سپس جزئیات نقوش - مانند بال یا چشم - با زنجیره‌زنی اجرا می‌شوند.

۲۲. نوعی قلابدوزی مختص بانوان اهل تامیل در جنوب هند است.

۲۳. قبایل «تودا» در ایالت تامیل نادو، نقوشی هندسی به رنگ سرخ و مشکی روی پارچهٔ پنبه‌ای سفید می‌دوزند، به این سوزن‌دوزی «تودا دوزی» می‌گویند که در گویش محلی به «پوکور» به معنای گل مشهور است.

۲۴. نوعی کهنه‌کاری به شیوهٔ تکه‌دوزی برای بازیافت ساری‌های کهنه که در ایالت کارناتاکا رواج دارد.

۲۵. لامبادا، لامبادی یا لامبانی، سوزن‌دوزی قوم بنجارا، ساکن در ایالت‌های کارناتاکا و آندرا پرادِش.

26. Mahabharata
27. Malnad
28. Maidan

۲۹. Kannada: زیرشاخه‌ای از زبان دراویدی که در جنوب هند در ایالت کارناتاکا رواج دارد.

۳۰. امپراتوری چالوکیا بین سده‌های ۶ تا ۱۲ میلادی بر بخش‌های وسیعی از جنوب و مرکز هند حکمرانی می‌کرد.

۳۱. ساری پارچه‌ای مستطیلی شکل است که به‌طور میانگین ۶ تا ۹ یارد درازا دارد و به عنوان لباس به دور بدن زنان هندی پیچیده شده و انتهای آن از سرشانه آویخته می‌شود.

۳۲. لینگایات به شیواپرستانی می‌گفتند که منتقد نظام کاست بودند. در عصر ودایی (۸۰۰- ۱۵۰۰ ق.م.)، جامعهٔ هند به چهار طبقه تقسیم می‌شد: برهمن‌ها (پیشوایان دینی)، کشاتریاها (جنگاوران و حکام)، واسیاس (بازرگانان) و سودراس (کارگران). در نظام اجتماعی بسته یا همان کاست، هر فردی که خارج از این طبقات زاده می‌شد، فرد نجس بود که به آن «دالیت» می‌گفتند.

۳۳. کُشیدا در زبان هندی به معنای سوزن‌دوزی و مترادف کشیده‌دوزی در تاجیکستان و افغانستان است و منظور از آن گلابتون‌دوزی است.

34. Makhana

۳۵. واژه «ناوراتی» با «نوراتی» در زبان سانسکریت به معنای نه شب است. این اصطلاح به جشن‌هایی اشاره دارد که شامل پرستش نُه الهه در طول نُه روز، خواندن افسانه، اجرای داستان و سرودخوانی متون مقدس هندونیسم است.

DOI: 10.22034/rac.2024.715964

۳۶. نام ظرفی است که در گذشته از آن برای مشخص کردن زمان آبیاری در کشاورزی استفاده می‌کردند.

منابع

افروغ، محمد(۱۳۸۸)،*نمادونشانه‌شناسی‌درفرش‌ایران*، تهران: جمال‌هنر.

اکبرزاده، داریوش (۱۳۸۲)، *کتیبه‌های پهلوی، اشکانی (پارتی) و با طراحی گرافیکی*، تهران: پازینه.

انصاری، جمال (۱۳۹۲)، *آشنایی با فرهنگ عامه و اقوام ایرانی*، تهران: سبحان نور.

آذرلی، غلامرضا (۱۳۹۴)، *فرهنگ کوچک پارسی_ بلوچی، بلوچی_ پارسی*، تهران: بهجت.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۸)، *اسرار مکنون یک گل*، چاپ سوم، تهران: فرهنگستان هنر.

بویل، ج آ (۱۳۷۹)، تاریخ ایران: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانی، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.

رحیمی، زمرد (۱۳۸۵)، سیمای میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

ریگی، زهرا و کاویانی‌پویا، کریم (۱۳۹۶)، *دایرةالمعارف بلوچ‌دوزی و سایر ملل*، تهران: مؤلف.

ساعدی، فاطمه؛ قاسمی، مرضیه و محمودی، سکینه‌خاتون (۱۴۰۱)، «مطالعهٔ تطبیقی نقوش تزئینی مرکزگرا و شیوهٔ اجرای آن در هنر بلوچی‌دوزی ایران و پاکستان»، *هنرهای صناعی ایران*، ۵ (۲): ۲۰-۵.

سلیمان‌زاده، علیرضا (۱۳۹۶)، شناسایی ماهیت نژادی مردم بلوچ از سوی غربیان با اتکا بر مسائل فرهنگی، رویکردها و نقد، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۵ (۲۱): ۱۶۲-۱۴۳.

سید سجادی، منصور (۱۳۷۴)، باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

شیرازی، روح‌الله؛ رخشانی، مجتبی؛ کیخا، محمد و بختیاری، سحر (۱۴۰۲)، «تبیین الگوی استقراری شهرستان فنوج در منطقه مکران بلوچستان از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی»، پیام باستان‌شناس، ۱۵ (۲۵): ۱۱۵-۱۰۱.

صادقی‌دخت، صدیقه (۱۳۸۹)، *سوزن‌دوزی بلوچ (تابا دوخت)*، تهران: نگارستان هنر.

صمدی، حبیب‌الله (۱۳۳۴)، *سیستان از نظر باستان‌شناسی*، تهران: بانک ملی ایران.

طالب‌پور، فریده (۱۳۹۷)، *پارچه و پارچه‌بافی در تمدن اسلامی*، تهران: سمت.

طاهرعزیزی، مریم و شیخی، علیرضا (۱۴۰۰)، «گونه‌شناسی و تحلیل نقوش قوم بلوچ در بلوچی‌دوزی سرحد و مکران»، *رهپویه هنر/ هنرهای تجسمی*، ۴ (۳): ۷۴- ۵۹.

فروغی‌نیا، مریم و شهسوار، مرتضی (۱۴۰۲)، «هنر کوچ‌دوزی هند و ارتباط آن با رودوزی‌های ایرانی»، *مطالعات هنرهای تجسمی*، ۱ (۱): ۵۵- ۴۳.

محمود زهی، موسی (۱۳۹۱)، *آیین‌ها، باورها و فرهنگ مردم بلوچستان*، تهران: آبنوس.

محمود زهی، موسی (۱۳۹۲)، *هنر بلوچستان (با تاکید بر دیدگاه تاریخی)*، مشهد: پیام اندیشه.

مصاحبه با براهویی، هاجر (۱۴۰۲)، بانوی سوزندوز متولد ۱۳۳۸ در چابهار.

مصاحبه با ریگی، زهرا (۱۴۰۲)، بانوی سوزندوز و پژوهشگر متولد ۱۳۶۶ در ایرندگان.

میرزایی، فاطمه و مافی‌تبار، آمنه (۱۴۰۲)، «تحلیل و طبقه بندی موضوعی انواع نقش در سوزندوزی بلوچ براساس اسلوب هنرهای سنتی»، *دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران*، ۱۰ (۱۹): ۸۶- ۴۹.

نوری‌نژاد، سمیه و طالب‌پور فریده (۱۳۹۴)، «مطالعهٔ تطبیقی نقوش رودوزی‌های پوشاک زنان هرمزگان و هند»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۷ (۲۴): ۱۷۵- ۱۶۱.

یعقوبی، حمیده (۱۳۹۳)، سوزن‌دوزی‌های پوشاک زنان بلوچ؛ نقش و رنگ، *فرهنگ و مردم ایران*، ۱۰ (۳۸): ۷۸- ۵۱.

یکتائی، مجید (۱۳۵۳)، *نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان*، تهران: اقبال.

D.naik, Shailaja. (1996). *Traditional Embroideries of India*. Delhi: A.P.H. Publishing Corporation

Georgina (1957). *Karnataka*. Chennai: TTK Healthcare Limited – Publication Division.

Gupta, Toolika (2019). “Kasuti and Blackwork: Twin sisters or just duplicates?”. *Textiles and Clothing Research Centre e-Journal*, 3 (6): 18-22.

Joshi, Indira. (1963). *Kasuti of Karnatak***.** Bombay: G. R. Bhatkal.

URL1: https://www.iranicaonline.org/articles/deccan (accessed Date: 2/ 2/ 2024)
URL2: https://www.dsource.in/resource/kasuti-embroidery-karnataka/stitches (accessed Date: 2/ 2/ 2024)
URL3: https://www.linkedin.com/pulse/makhana-pious-navratri-superfood-nutritional-delight-nutri-makhana (accessed Date: 2/ 2/ 2024)
URL4: https://www.britannica.com/technology/gopura (accessed Date: 2/ 2/ 2024)
URL5: artisticfingers.blogspot.com (accessed Date: 2/ 2/ 2024)
URL6: https://peacecommission.kdsg.gov.ng/how-to-do-kasuti-embroidery (accessed Date: 2/ 2/ 2024)
URL7: https://medium.com/direct-create/kasuti-embroidery-from-karnataka (accessed Date: 2/ 2/ 2024)
URL8: https://www.memeraki.com/products/26th-november-online-kasuti-workshop-with-tara-hulamani (accessed Date: 2/ 2/ 2024)